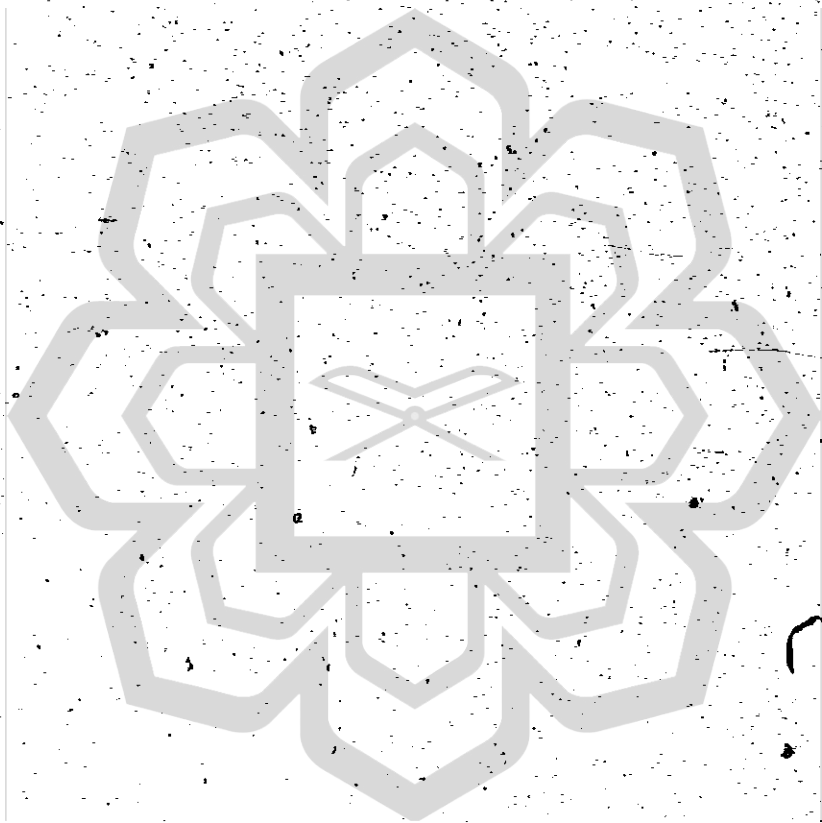


اسم صاحب کتاب
مکتبہ مبارک شاہ ولی اللہ
دہلی



که نویی ادا و است

و چون بر می آید

و کما است و یاد و کما

همین است

بسم الله الرحمن الرحیم



Handwritten notes and scribbles on the left side of the page, including some illegible characters and lines.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد لله الذي انزل على عبدك محمد كماله من ان جود ورد
و هو فريسه در شده که فرزند گاور و در نقرن بر تالای معنی
خودید بان بر تاملت بقت بقتی انکار نکلدر و جوی بر کت معناسی
ما لایق نکلدر پس خود و تزییل بر معنایه در خانیا الکسندر
در حق لم یوفت حاصل و در انکیمون من معناسی لله عزه هو در بیان
در دردی بند که عسیر در کلور در عظام ان معناسی بر بند یافت
فان رجح بر سنان لابنهان الخلفی الخور و ما بدین بر سانس جمیع
حروف و یوفی حقها من اشباع عفا و روت بدین عفا بدین
یعنی بیان ت بیان نکلدر ما رجح بدین چون مجلس نکلدر بیان تمام
و یوفی بدین ام و در هر زمان ما حفی و بر نکلدر و ما نکلدر در وقت
بهران بر تالای معنی و در هر قاهر قان بر حرف و حرف و حرف و حرف
سند که عا شد بر حقیر منه به در بر رسول لله فرزند علیه السلام

ایندک سر ستر او فردی معنی فردا بود و مکررند که نصیب ده که
 فالصاحف لکناف لکناف تا کند فی حاجت منرواند ما لا اتمند القاری و سنت
 بعیند ربه عن محمد رسول الله علیه السلام لا کسر و کم هدر و در السامع
 ان بعد حروفه بعد ما معنی ستر - مؤکر که کی فبردی رسول - لله فرد
 و وجه سیدنا حروفین منور در و برین تا کند در حاجت منورده و ما برین
 تا سید لاد در برین در و برین در کن نفی ممکن کفر در و در حق تا سید و جدا
 که در برین ادب و قیه را در بقصاده تبد کرین که در انسان در بر سید
 کفر در سید که حد شده کلر فالصاحف علیه السلام من و حروف
 من القرون فقد کفر و معنی ما در بعد در ارکان سید تقدیر ابد
 او تا ما مصلی ب لغت ابد در حروف روحی لغت در حروف و فی ابد سته
 که حد سید و کلر در تالی حروف و حروف ب لغت در تالی فی سید
 معناسه در انما بعد ما در کنیز حروف در تکدر و کنیز حروف که
 بر ما در حروف الی حدید و فالذی ما جمیع ارکان در حروف

این کلمات در لغت
 آمده است

که در هر صد حرفی که در جمیع نوحه و نغمه و ناله و نوحه در هر
که کتاب مذکور است در بیان و بیان الحروف و حرکات من عطا
حقوقها من شرح و القصة و القوة و ضعف یعنی بر مثل او و در
و نون و ثواب و نون و نون و نون و نون و نون و نون
حقول و حسن و نون و نون و نون و نون و نون و نون
بکسر و نون و نون و نون و نون و نون و نون و نون
و نون و نون و نون و نون و نون و نون و نون و نون
نون و نون و نون و نون و نون و نون و نون و نون
نونی و نون و نون و نون و نون و نون و نون و نون
نونه و نون و نون و نون و نون و نون و نون و نون
نونی و نون و نون و نون و نون و نون و نون و نون
نونی و نون و نون و نون و نون و نون و نون و نون

تأخذ منه فرشته و جان حتی با حمل و خنله لامسان ده
حیم نشانه فاصحه عظیم حتی سان در عین نشانه و لام و قلوب در
در آن و نشانه در صفده لامده هو در سان و حسیف در نشانه
که کشید از سینه صوفی و در کلایم و صوفی و قلم و سوره نه علی
نشانه و نشانه حایر صاده قلب بود که حدت و کلایم علی
و در نفس که نشانه علی حدت و در سید علی که حدت در می در
سازن نشانه صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی در نشانه
حسب و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی
هو هو و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی
و نشانه و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی
و نشانه و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی
حدت و نشانه و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی
صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی و صوفی

و نه سید و شبیه بویا لایق با قتلک حسین خلاص ده که خلاص
نلسه شجاع و لرایی و بر خلاصه اشباع رسیده و مرید
و یوسف و یونان کان و رت لای کلب و آدی بوسوی
و نه شهید ران و کی یی مکن ده کیمی یی کشفه ده فلسفیه
ز و فی نه و روحی مورجی شان ده مسکه و یی ساد ده حر
فرستاده عی در کوی در کوی کلب کین یی ده و منو
بچه و جامه و وسه و وضو و مسه و قولله و کی
و یی کین در کیمی زوق کشفه در من بعدت در ندرک
صفه نالیه و حدیده که هر هر حرو و نالیه
ده مزوج سید حدیدک کار و سیت حقل و حقیق
و در حور و و غیره حاضر و جاری و نه حدیده
و نه عرب عبت و وسه ناز فاسد و نالیه
و رکه کای و رمی فویه تقای نالیه و نالیه

و رسیده هر ساله یکسور و شش نصف مشرکین
و حق کافر و بر و قنار و در حاکمیت در این مضمون
و شش کافر و بر و قنار کوبد و شش و مد و مت
مشترک است که حد شده کور روی عین و شش
ساهی رفته و در حینار سوره نه صلاح علی هر مرت
و حاکمین عن قصده فکان مرتکب آن همه بود یعنی
خون و بکون بد ششده علی صاحب حسن صورت
ششور بد معرفتی ششور من است ششور بدی کتب
ششور و تلور و لاسه ملک داخل و بد هفت بار کوفی ششور
عادت مرتکب ششور و مرتکب مرتکب ششور علی مرتکب ششور
مرتکب ششور و حد شده و نوصه حاج مرتکب ششور
ششور و بد مرتکب ششور و ششور و ششور
ششور من مرتکب ششور و ششور ششور ششور

هدد قضا و قدر کما فرقوا بین عصبه اهد سه که ما در فرس
و بیلان مسعود و در خون کات و بیری دولت
هر که فری و لا علی هلاک عمر رسوا نه بیدار بر کرم رسوله فرق
عزیز بدری جو بیاره و کرم عرض بیرو فرس بر رسیده
عرض بدری و لا بد بوموت من عنین و در سیدان و کرم
دند و شکوف و هر کس که فرق شدک در سب
که کار زرسد شیخ محمد حریری دردی اهد و محمود حمید
لا می در کرم فرس و نه لانه و لا اهد
عنا و صلا و فرس خون رسیده فرس و کتاب و ست و جمله
سه بد و فرورد و کرم فرق فرورد و در سه فرس و در
رسوا نه در حق خون در رسیده و در صفت و کات و مسعود
و صد فرس خون در رسیده و در مسعود و در رسیده
در رسیده و در رسیده و در رسیده و در رسیده